

بیامرز و اما از آنکه مادر و پدر را یک دراز در رحمت بر کوفت ده
 بشوند تا توبه کنند باز با مرزند او را بنحی صلی الله علیه و سلم تا چهل گفت
 اگر کسی سخن نکند تا یک شعبان گفت اندر هر گوش ده شود تا آن حال که
 سخن گوید و چون سخن گوید خدا تعالی او را با مرز بس بنحی صلی الله علیه و سلم
 سویا کورستان بقیع بیرون سفد و در نماز استناد و سجده کرد
 سجده میکند اعمد بعفوک من عقابک و برضاک من سخطک
 و اعوذ بیک لا احصی ثمار عدیک انت کی انشبت علی انفسک
 و لک الحق نرفی بس چون چهار یکی از شب بگذشت جبرئیل علیه السلام
 آمد و گفت یا محمد صبر بر او و سوی آسمان نگاه رسول سوی آسمان نگاه
 در آسمان دیدنش ده بر درشتی فرشته ندایمی کند که طوبی مرا نکس را
 که کوع کند درین شب و بر در و دم فرشته ندایمی کند که طوبی مرا نکس را
 که بخود کند چون شب و بر در و دم فرشته ندایمی کند که طوبی مرا نکس را
 که با و کند و عکازین شب و بر در چهارم فرشته ندایمی کند که طوبی مرا نکس را
 که بگوید خدا تعالی درین شب و بر در پنجم فرشته ندایمی کند که طوبی مرا نکس را
 که شبیخ کند درین شب و بر در ششم فرشته ندایمی کند که طوبی مرا نکس را

رفی الله عنین و اولین کند او را بنحی صلی الله علیه و سلم که او کوفت چون نیم ماه
 شش ماه شود از رحمت ایزد تعالی فرود آید با آسمان دنیا و
 ایزد تعالی بندگان با مرز و پیشتر که سفیدان سنی کعبت بو برین
 نرفی الله عنین و اولین کند او را بنحی صلی الله علیه و سلم که او کوفت جبرئیل
 علیه السلام به نزد من آمد و در شب شعبان و کوفت یا محمد
 این شبی است که درین شب در آرزو آسمان و دریای رحمت که
 شده از شجر نماز کن و در دست بردار سوی آسمان من بر سیدم این
 در شب است کوفت یا محمد این شبی است که سید در از در راه رحمت گشته ده
 از خدای تعالی همه خلق را با مرز و حکم کعبه که مشرک باشند و یاد دل او
 و شینی با مرز او در مسلمان با ایشان خمر باشد یا زنا مهر بنشین ایشان را
 نما مرز و تا توبه نکند اما شارب خمر را یک در از در راه رحمت برکت
 مانده کند خدای تعالی او را با مرز و اما آن کسی که در او دشمنی کند از
 بر او مسلمان بگوید از در راه رحمت بر کوفت ده کن از توبه کند و با مرز
 من مسلمان سخن گوید نگاه خدای تعالی او را با مرز و اما آنکس را که زنا
 کند با شرب بگیری او در راه رحمت بر کوفت ده بگذارد تا توبه کند نگاه خدای

او را با مرز